

مرا بیوس

مقدمه

ترانه "مرا بیوس" بدلیل اشتها و استقبال مردمی گرفتار حاشیه های فراوان، از افسانه پردازیهای عامیانه و فرصت طلبیهای کاسبکارانه تا سوء استفاده های سیاسی شده است. در سایت پرند طی مقاله مفصل و باارزشی، ضمن نقل از کلیه منابع اخیرالانتشار نظیر مصاحبه ها و خاطرات هنرمندانی چون پرویز خطیبی، اسماعیل نواب صفا و بیژن ترقی، تلاش گسترده ای برای تبیین مدعاهای گوناگون و جمع بین اقوال و آرا شده است (<http://www.parand.se/t-mara-bebeos.htm>) که در این مجال خواهیم کوشید از متد و منطق دیسکوگرافی، برای روشنتر شدن مطلب و زوایای مبهم تاریخی که موارد مشابه بسیار در تاریخ اساسا شفاهی موسیقی ایران دارد، استفاده کنیم و نقش این متد را در پالایش اطلاعات موجود، به نمایش گذاریم.

اولین ضبط "مرا بیوس"

اولین ضبط "مرا بیوس" همانگونه که از لیبل مصورمقابل مشاهده می شود بر روی اول صفحه شماره ۲۸۸ برای کمپانی موزیکال رکورد، متعلق به نصرالله عشقی صورت گرفته است. متن روی لیبل به شرح زیر است:



288 A

مرا بیوس - از فیلم اتهام
بانو پروانه
آهنگ و ارکستر - مجید وفادار
شعر - هاله

فیلم اتهام در خرداد سال ۱۳۳۵ شمسی اکران شده است و در نتیجه تاریخ محتمل ضبط "مرا بیوس" با صدای پروانه، بایستی در نیمه دوم این سال باشد. براساس متن روی لیبل، کاملا مشخص است که آهنگساز، شاعر و خواننده این اثر کیست و هیچ ابهامی در این امر نیست.

دومین ضبط "مرا بیوس"

ضبط مجددی بردو روی صفحه شماره ۳۰۹ کمپانی موزیکال رکورد، توسط خواننده ای ناشناس و طبعا بدون درج عکس وی بر روی لیبل و با ذکر اطلاعات زیر صورت می گیرد که با توجه به صفحه ۳۰۸ که

از دو فیلم متعلق به سال ۱۳۳۶ شمسی یعنی برهنه خوشحال و قزل ارسلان، پرشده بایستی در سال ۱۳۳۶ شمسی و یا با فاصله تقریبی حداکثر ۶ ماه از ضبط قبلی انجام یافته باشد که به استناد مطالب مندرج در صفحه ۲۱ کتاب شاعر شهر شما از دکتر حیدر رقابی (هاله)، ضبط دوم "مرا بیوس" باید در بهار ۳۶ انجام شده باشد:



309 A

مرا بیوس (۱)

آهنگ از مجید وفادار

شعر - هاله

خواننده ناشناس

از آنجا که در صفحه های موزیکال رکورد، مبنای

ترتیب ضبط، همان شماره صفحه بوده است و در حقیقت شماره ماتریس (قالب) با شماره صفحه انطباق دارد، معلوم می شود که در فاصله ضبط بین این دو اجرا از "مرا بیوس"، تنها ۲۰ صفحه دیگر ضبط شده است و با مراجعه به این ۲۰ صفحه و صفحه های قبل از ۲۸۸ و پس از ۳۰۹، به آثار متعددی از مجید وفادار برمی خوریم که گویای همکاری مستمر وی با موزیکال رکورد می باشد. اگرچه براساس تفاوت متن دو لیبل پیداست که ارکستر در ضبط دوم، متفاوت با ارکستر وفادار می باشد اما مطلع نبودن وفادار از این ضبط محل تردید است و بعید نیست عدم ذکر نام نوازندگان در این اثر، بر اثر توافق با وی باشد.

ازسوی دیگر ملاحظات فنی ضبط صفحه های سنگی در نیمه دهه ۳۰ شمسی در ایران، اقتضای انجام ضبط در استودیو را داشته و بعید است از ضبط احتمالی در استودیوی رادیو، امکان تهیه نسخه اصلی برای دو روی صفحه فراهم شود فلذا باتوجه به فاصله محدود دو نوبت ضبط و لزوم حضور در استودیو، مخفی ماندن ضبط این اثر از دید آهنگساز (مجید وفادار) امری غریب به نظر می رسد در حالیکه ناشناس ماندن خواننده برای مردم، امری عادی است. قاعدتا ضبط برای صفحه بایستی پس از ضبط رادیویی و پخش از رادیو و استقبال عمومی مردم صورت گرفته باشد.

صفحه پرفروش

بی تردید "مرا بیوس" یکی از پرفروشترین صفحه های سنگی ایرانی بوده است که هم به دفعات و در شکلهای و شرایط گوناگونی توسط موزیکال رکورد بازتولید و به بازار عرضه شده است. شرکتهایی چون موزیکال و رویال، پس از فروش متعارف هر صفحه، دو قطعه پرفروش را مجدداً بر دوروی صفحه

جدیدی بازتولید و عرضه می کردند که مثلا بازتولید روی اول "مرا ببوس" با آثاری از الهه و از ساخته های وفادار بر روی دوم، مشاهده شده است.

در زمانی نزدیک به انتشار "مرا ببوس" با صدای گلنراقی، تولید دیگری از این صفحه توسط کمپانی رویال مشاهده شده است که بعید نیست حتی قبل از "مرا ببوس" تولید موزیکال رکورد به بازار عرضه شده باشد که گرچه عنوان "رویال" بر روی لیبل وجود ندارد اما شماره قالب و شماره صفحه، ماخوذ از سری شماره های کمپانی رویال می باشد.



نسخه ای از "مرا ببوس" با لیبل "اسطوانات عبدالرحمن" به شماره قالب OJME 834/5 و شماره صفحه K-444 که محتملا در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در پاکستان تولید شده، مشاهده شده است که نام خواننده بر روی لیبل صفحه "واگن" (ویگن) درج شده اما بنظر می رسد که بازتولید دیگری از همان صفحه گلنراقی باشد.



یادآور می شود پس از سال ۱۳۳۸ شمسی که صفحه های ۴۵ و ۳۳ دور نیز در بازار ایران عرضه شد و تا نیمه دهه چهل، این صفحه بارها با صدای خوانندگان مختلف و توسط کمپانیهای گوناگون چون ایران گرام و رویال بصورت صفحه ۴۵ دور منتشر می شود و در ضمن صفحه های ۲۵ سانتی ۳۳ دوربا لیبل امپریال هم مشاهده شده است. این لیست طویل از عرضه صفحه "مرا ببوس" و بازتولیدهای مکرر،

که از نیمه دهه سی آغاز و تا اواخر دهه چهل ادامه می یابد گویای این واقعیت است که هیچگونه حساسیت سیاسی نسبت به ترانه "مرا ببوس" وجود نداشته و هیچ سند و مدرکی دال بر این مدعا و یا دال بر تلاش برای محدود کردن یا جلوگیری از انتشار این اثر در دست نیست.

PHILIPS 45
مرا ببوس
MARA BEBOUS
خواننده خوشنام
بهمراهی ارکست



درباره سرودن شعر "مرا ببوس"

مجموعه ای از اشعار دکتر حیدر رقابی در سال ۱۳۴۸ در تهران به نام شاعر شهر شما منتشر می شود که در صفحات ۲۰ تا ۲۳ علاوه بر شعر "مرا ببوس" که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۳۴ سروده شده، اطلاعات مفیدی نیز در مورد ترانه "مرا ببوس" و استقبال مردمی از آن با اشاره به مندرجات نشریات وقت دارد که هیچ اثری از افسانه پردازیهای منقول در خاطرات اخیرالانتشار در آن مشاهده نمی شود. جلد ۴ و صفحه یادشده از کتاب مذکور برای آشنایی با چهره دکتر رقابی و عین متن، نقل می شود.

"مرا ببوس" از حیث ساختار شعری و اینکه آیا اساسا برای ترانه نوشته شده یا خیر نیز قابل بررسی است که امید است در جای خود و توسط کارشناسان ذیصلاح مورد توجه قرار گیرد.



مرا بیوس

- مجله روشنفکر شماره ۳۰۴ - مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۳۳ از مقاله ای بصورت « از بوفتن یکه آواز تا بوفتن یکه سخن » نوشته بود :

... (مرا بیوس) بر دهان بالهای جانور آوازها نسبت مردم حواد میزند و قلب انسانها را سستگاه و بالامیزد و نظام میبندد که بیرونه سستگاه است و حیجکی تا قوت برده فکشن آن است . و سغله سخته ۳۰ از همان شماره « مقاله های بدین مضمون بر ۳ حواد بیوس » داشت :

« حالات شیر است و در آن هنگام مرا بیوس ، مرا بیوس آواز که گوید ، گودکنی را تکان میدهد تا او را خوب بکشد ، بارگردد که بارگردد ، بکشوریند و خندان تری بر پستانش سینه شده است ، جوانی که در رویه جاده شیرین دورا دور خود فرو رفته است ، آغیزش که در دانه و آغیزش که در دانه است بگریان سخته خلاصه همه از کرمیت و بزرگی بر لبی آهنگه مرا بیوس و آغیزش که در دانه است مرا بیوس و آغیزش که در دانه است مرا بیوس ، حوادت یک استیج رفته رفته در دانه است ... »

« این مقاله در آنگاه ۲۸ ، مورخ ۱۳۳۳ ، بجای دیده دایرنگه آنگاه است : فرغانی که مرا بیوس ، بارگردد در تاریخ جویفی ایران نظر داشت ، برایش این آهنگه طوری قبول کرده با ششیر سوده که در صورت یک ترانه ملی را بخود گرفته ، حالا ، حتی در مذکورتهای اطراف ایران هم این ترانه ملی کرده و سبکی خود را بدین بوده است . »

با مقاله شام جوان دانستند ، شادانگان عزیز ما بجز این آذانی دولت و ده آنگاه ، سست و بچین چار زندگی خود را طریک و وقت آریک و بکند است و در آن حقش اشغال دارد ، بر تانگه سست و سست و سست مرا بیوس سرتجه دوری و سینه با بچین است که دهالعه تحت تاثیر عواطف ، بچین در ساحت این ترانه سرتجه داده است . من با آذانی کاملی که بر وجهی طرف فکر داده بود ، مطمئن که این « بوفتن » و احساسات کثیر ، درگاه طاناه داشته است ، بچین سست تاثیر انسانهای کرم و بیوس و سست ، حتی فاده بچین و مرا بیوس اقدام کرده ... »

« چندی است با دل خود سخن نگفتم ، دلم خالیست و ایام خاموشی و مرده در نقیضات خاطرم - ایامهای تلک و تله بداند گویید مرا بیوس ، حسرت ، او خاموشی حسرت را نگفته من است ، دوازده سال پیش مردهی ساخت که خاموشی ، ایام ازین سلطنت ایرانی را دم شکست و بنا کردم و شور و خروش از آنها باقی سخن گفت ، نام او و سخن او از سنی جسمی و از خردت بیرونه گشت ، یکی از مجلات جنگی تهران نوشت :

« اکنون بیست تیر است و یک آهنگه مرا بیوس ، مرا بیوس (۱) و این جنگی بود که گویید مرا بیوس در ایران بود و آنگاه را که از لم یا تانی جنگی خواندند مرا بیوس بود چشما حلقه بیوس سرتجه ، شامیر شعر او شعر و ده « جناح اطالی که مرا بیوس در آن ساخته شده بود ، خاموشی گفته بود . »

من اکنون پس از مالم در دشتها ، ایامها و حاضر و غایبها ، شامیر از شهر رفته مرا بیوس ، مسلم است ، جا را بگردم و هیچ جا او را نمیابم . آسوس بود ، من داده بودم و او همین بود . »

بر گریه از یادداشت ، شومس ، بچین ۲۶ تیرماه ۱۳۳۳

بند یکم

مرا بیوس مرا بیوس ، بر آه آخرین بار
ترا خدا نگهدار
بهار ما گشته ، گشته با گشته
که بیوس بیوس سرتجه
علم بچین سرتجه
در میان تو فان من بیوس با تو تراها
گشته از جان باید بگشتن از تو تراها
به نیمه شبی دارم با ایام بیوسها
که بر فردم آتیا در کوششها
شب ساد سرتجه
و تیر در آه گد گد گد
تکه کن ایکن من سرتجه تو چارمن
براه من بیکن
مرا بیوس مرا بیوس ، بر آه آخرین بار
ترا خدا نگهدار
بهار ما گشته ، گشته با گشته
من بچین سرتجه
دشتر دنیا سب بر تو میماند در پیش تو میمانم
تا لب بگفتند بر لب من
دشتر دنیا از بری نگاه تو لبک من نگاه تو
روشن باز ، لب من
مرا بیوس مرا بیوس ، بر آه آخرین بار
ترا خدا نگهدار
بهار ما گشته ، گشته با گشته
که بیوس بیوس سرتجه
من بچین سرتجه

بند دوم

شاده سر سینه نام تو بچین سرتجه نام
بهار دیده بر من
بیا بر زبان نشود بود
بآخرین نگاهش ، نگاهش بی گشایش
مردود و ایمن سرود بود
تسکه من از این پس طم در دامن دیگر دارم
بر آه دیگر شوده دیگر در سر دارم
اصح روشن با بد آنگاه دل بر دارم
که خبب من با سس روشتر دارم
برود او سگله من
نگاه او بر آه من
فرنگیها بر آه نام دل ما
در آسوان حواد
باز بر آه سرتجه ، بر آه سرتجه ، بر آه
شاده دیده بر من
بیا بر زبان نشود بود
بآخرین نگاهش نگاهش بی گشایش
مردود و ایمن سرود بود
من سرتجه حنین ستم گنها با برنگه تقابلها
بشیر بر لب آسوس
دشتر دنیا چشمان سیه رنگها با ده بچین آتیا
شکر ستم با بر آه
مرا بیوس ، مرا بیوس ، بر آه آخرین بار
ترا خدا نگهدار
بهار ما گشته ، گشته با گشته
که بیوس بیوس سرتجه
من بچین سرتجه
تیران - آذرماه ۱۳۳۳